

Revival of National Identity in “Anjomane Asar va Mafakhere Farhangi”

Alireza Esmaeili¹

Abstract

In the final decades of the Qajar era, Iranian society experienced notable changes in its social and cultural structures, despite its continued adherence to tradition and long-standing values. This wave of cultural modernization - rooted in the ideas of Constitutional-era intellectuals - led to cultural and identity conflicts, prompting some Iranian thinkers to seek a remedy through the revival of national identity and a return to past national glories. In this context, the establishment of cultural societies and institutions such as the “Anjomane Asare Melli” (founded in 1925) by a group of cultural and political figures marked an important step. After the Islamic Revolution, the society was renamed the “Anjomane Asar va Mafakhere Farhangi” and continued its activities. Among its major accomplishments during its three phases of activity are the construction of nearly 40 memorial structures for cultural and national figures, the creation of over 20 statues and busts, the publication of more than 600 book titles, the first-time registration of nearly 90 archaeological and historical monuments across the country, and the organization of numerous ceremonies honoring hundreds of scholars and thinkers. Drawing on primary sources and documents, this article examines the performance of “Anjoman” in its various phases and seeks to answer the question: to what extent has “Anjoman” contributed to the preservation and dissemination of cultural heritage and the revival of national identity?

Keywords: Anjomane Asare Melli, Anjomane Asar va Mafakhere Farhangi, national identity, sculpture, memorial architecture, historical monuments

¹ Assistant Professor, Iranian Academy of Art, Tehran, Iran.
alirezaesmaili.ti@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

احیای هویت ملی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

علیرضا اسماعیلی^۱

چکیده

جامعه ایران در دهه‌های پایانی عصر قاجار نسبت به گذشته شاهد تغییراتی در ساختار اجتماعی و فرهنگی خود با وجود پابندی به سنت و ارزش‌های آن بود. این نوسازی فرهنگی که به نوعی ریشه در اندیشه روشنفکران عصر مشروطه داشت و سبب تعارض فرهنگی و هویتی شده بود، برخی از روشنفکران ایرانی را بر آن داشت تا این آسیب را با احیای هویت ملی و بازگشت به افتخارات ملی قابل بازسازی بدانند. در این راستا تأسیس انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی همچون «انجمن آثار ملی» در سال ۱۳۰۴ش، با مدیریت تعدادی از رجال فرهنگی و سیاسی، گام مهمی در این زمینه بود. این انجمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» تغییر نام پیدا کرد و به فعالیت خود ادامه داد. ساخت حدود ۴۰ بنای یادمان برای مفاخر فرهنگی و ملی، تهیه بیش از ۲۰ مجسمه و تندیس از آنان، چاپ و نشر بیش از ۶۰۰ عنوان کتاب، ثبت فهرست نزدیک به ۹۰ اثر باستانی و بنای تاریخی در سراسر کشور برای نخستین بار و نیز برگزاری نکوداشت‌ها اندیشمند، از جمله فعالیت‌های مهم این انجمن در سه دوره فعالیت آن به شمار می‌رود. این مقاله با استناد به اسناد و مدارک و منابع دست اول ضمن بیان عملکرد انجمن در دوره‌های مختلف حیات خود، در پی پاسخ به این سؤال است که انجمن تا چه میزان در حفظ و اشاعه میراث فرهنگی و احیای هویت ملی نقش داشته است.

کلیدواژه‌ها: انجمن آثار ملی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، هویت ملی، مجسمه‌سازی، یادمان‌سازی، بناهای تاریخی

مقدمه: چگونگی شکل‌گیری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

به دلیل تحولات گوناگون پس از انقلاب مشروطه، زمینه‌های شکل‌گیری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از مدت‌ها پیش فراهم شده بود. تلاش برای ارتقای فرهنگی جامعه با تمسک به مظاهر و نمادهای فرهنگی، تحت تأثیر عقب‌ماندگی فرهنگی و اجتماعی جامعه در ناکامی مشروطه، یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها بود. عامل دیگر گسترش هویت‌گرایی (با دو شاخصه ملی‌گرایی باستان‌گرا و تجدد غربی) در پی تخفیف و تحقیر ناسیونالیسم ایرانی، به عنوان یکی از اجزای فکری متجددان نقش‌آفرین در انقلاب مشروطه، بر اثر افزایش تجاوزها و دخالت‌های روس و انگلیس در امور داخلی و خارجی ایران بود. در این دوره هویت ملی با تأکید بر میراث فرهنگی و هنری به‌عنوان وجه تمایز و تشخیص ملی که از امتزاج «هویت تاریخی» با شکل مدرن و امروزی آن، یعنی «هویت ملی» ساخته و پرداخته شده بود، جزو مؤلفه‌های مهم پیشبرد اهداف و مقاصد متجددان و روشنفکران بود. فرهنگ نیز به مثابه ابزاری برای مقاصد سیاسی محسوب می‌شد. از همین‌رو روشنفکران و متجددانی چون تقی‌زاده و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر و گروه‌های سیاسی و اجتماعی، مانند جمعیت ایران جوان بر فرهنگ و آموزش تأکید بسیار داشتند و زبان فارسی را به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه هویت ملی برمی‌شمردند و تقویت هویت ملی توسط قدرت سیاسی را توصیه می‌کردند.

در این راستا شکل‌گیری انجمن‌ها و نهادهای فرهنگی دولتی و غیردولتی، همچون تأسیس انجمن معارف در سال ۱۲۷۱ش توسط میرزا علی‌خان امین‌الدوله، صدراعظم اصلاح‌گر مشروطه (احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۶: ۳۱۴-۳۱۶؛ شیرازی، ۱۳۹۶: ۲۸۷)؛ تشکیل شورای عالی

معارف به‌عنوان خلف انجمن معارف براساس مصوبه مجلس چهارم در ۲۰ اسفند ۱۳۰۰ (صورت مذاکرات دوره چهارم تقنینیه: جلسه ۷۸) و نیز تشکیل کمیسیون معارف در اواخر سال ۱۳۰۲، در زمانی که سلیمان‌میرزا وزیر معارف بود (ماله و ایزاک، [بی‌تا]: ۶-۳)، از دیگر زمینه‌های تأسیس انجمن در سال ۱۳۰۴ بود.

با وجود اهمیت جایگاه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در حفظ و اشاعه فرهنگ و هنر ایران، تاکنون پژوهش کاملی درخصوص عملکرد این انجمن، از ابتدا تاکنون، صورت نگرفته است. البته به‌جز کتاب *کارنامه انجمن آثار ملی*، اثر حسین بحرالعلومی که عملکرد انجمن را تا سال ۱۳۵۵ مورد بررسی قرار داده است، چند پایان‌نامه و مقاله نیز به‌صورت موضوعی، عمدتاً به ارزیابی عملکرد انجمن تا پیش از انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

به روایت صدیق اعلم و حسین بحرالعلومی در کتاب *کارنامه انجمن آثار ملی*، نخستین جلسه این انجمن، با حضور اعضا، در باغ نیرالدوله (جد همسر عبدالحسین تیمورتاش)، واقع در خیابان ژاله، در پاییز ۱۳۰۱ تشکیل شد (بحرالعلومی، ۱۳۵۵: سرآغاز؛ آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی: سند شماره ۰۰۳۱۰۳۹). به‌رغم روایت صدیق اعلم درخصوص تاریخ تأسیس انجمن آثار ملی، که مورد استناد اکثر قریب‌به‌اتفاق منابع قرار گرفته است، صورت‌جلسات هیئت مؤسس انجمن، اوایل سال ۱۳۰۴ را به‌عنوان سرآغاز فعالیت آن نشان می‌دهد. اگر ابتکار تأسیس انجمن و تاریخ آن به روایت صدیق اعلم را از روی علاقه وی به عبدالحسین تیمورتاش ندانیم، می‌توان گفت در آن زمان تشکیل انجمن نیمه‌کاره ماند تا آنکه نخستین جلسه آن در هفدهم اردیبهشت ۱۳۰۴ با حضور حسن پیرنیا، محمدعلی فروغی، عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز، ابراهیم حکیمی، حسن تقی‌زاده،

نظام‌الدین حکمت، کیخسرو شاهرخ، حسین علایی (علاء) و آرتور اپهام پوپ (ایران‌شناس آمریکایی) در منزل تقی‌زاده تشکیل شد (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت‌جلسه مورخ ۱۳ خرداد ۱۳۰۴). جلسه بعدی انجمن در هشتم خرداد و با حضور ارنست هرتسفلد (ایران‌شناس آلمانی) برگزار شد. وی به دعوت انجمن برای مطالعه درخصوص تأسیس کتابخانه و موزه ملی در ایران، به تهران دعوت شده بود (بهرامی و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۴۷). در جلسه دوم انجمن بود که هرتسفلد پیشنهاد کرد: «یک هیئت یا انجمنی از ارباب ذوق ایرانی تشکیل و در ایجاد موزه و احیای صنایع قدیمه ایرانی» تشکیل و «به دولت کمک فکری نمایند» (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: همان). در همین جلسه نام «انجمن آثار ملی» برای انجمن انتخاب گردید و حسن پیرنیا، به ریاست موقت آن منصوب شد.

طبق اساسنامه انجمن که در ۱۴ ماده تنظیم شده بود، مقر انجمن در تهران و شعباتی برای آن در ولایات پیش‌بینی شده بود. انجمن دارای «اعضای مؤسس» به‌عنوان «کمیته انجمن» به‌طور دائمی و اعضای «غیرمحدود» به‌عنوان اعضای عمومی و افتخاری بود (همانجا). تقریباً همگی اعضای مؤسس انجمن شیفته فرهنگ ایرانی و دارای تحصیلات عالیه به سبک غربی بودند و به تجدد آمرانه و آرمانی اعتقاد داشتند (Grigor, 2004: 2).

اهداف و وظایف انجمن در مواد ۸ و ۹ اساسنامه آمده بود. در ماده هشت، این وظایف و اهداف چنین تعریف شده بود: «۱. تأسیس یک موزه در تهران، ۲. تأسیس یک کتابخانه در تهران، ۳. ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آنها به‌عنوان آثار ملی لازم است، ۴. صورت برداشتن از مجموعه‌های نفیس مربوط به کتابخانه یا موزه که در ایران در تصرف دولت و یا مؤسسات ملی است» (بایگانی راکد



تعدادی از اعضای انجمن آثار ملی، مدرسه فیروز بهرام - ۱۳۰۴؛ از راست: ارباب کیخسرو شاهرخ، سیدحسن تقی‌زاده، نصرت‌الدوله فیروز و محمدعلی فروغی (بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت جلسه مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۰۴). ثبت و طبقه‌بندی آثاری که حفظ آنها به‌عنوان آثار ملی ضرورت داشت و صورت‌برداری از مجموعه‌های نفیس کتابخانه‌ها یا موزه‌ها، از مهمترین اهداف گنجانده شده در این بند بود.

اما انجمن در تدوین اساسنامه‌اش، توده‌ها را به‌عنوان حاملان هویت ملی از نظر دور نداشت. بر این اساس، در بند نهم اساسنامه انجمن آمده بود: «مقاصد دیگر انجمن عبارت است از سعی در استفاده از این مجموعه‌ها و بهره‌مند کردن مردم از آنها به‌واسطه تعلیم در مدارس و عرضه داشتن به انظار عامه و خطابه‌ها و کوشش در حفظ و احیای صنایع و هنرهای ایرانی» (همانجا). انجمن آثار ملی برای رسیدن به این اهداف خود را نیازمند کمک دولت و ملت می‌دانست. از همین‌رو در ماده دهم آمده بود: «برای رسیدن به مقاصد مذکوره در فوق [موارد مندرج در بند ۸] انجمن از دولت و ملت ایران استمداد خواهد کرد؛ از قبیل اینکه از دولت مکان مناسب برای موزه و کتابخانه و استخدام متخصصین عالم برای اداره این تأسیسات تقاضا خواهد نمود و وضع قوانین لازمه برای حفظ آثار ملی را پیشنهاد خواهد کرد».

شاید بتوان مهمترین بند اساسنامه انجمن را که جزء اولین اقدامات آن هم شد، ماده ۱۱ دانست: «پس از تأسیس موزه و کتابخانه و تحصیل نتیجه در استخدام متخصصین، برای اداره این تأسیسات و پس از ثبت آثار و ابنیه قدیمه و فهرست کردن مجموعه‌های کتب و آثار صنعتی مملکت، انجمن آثار ملی این تأسیسات را به شعبه عتیقات وزارت معارف تحویل داده و خود انجمن به کار خود مداومت نموده در حفظ و تکمیل تأسیسات مزبوره مراقبت و اهتمام مخصوص خواهد داشت» (همانجا).

پس از تصویب اساسنامه انجمن، نوبت به تدوین نظامنامه آن رسید. کمیته‌ای مرکب از حسن پیرنیا، محمدعلی فروغی و نظام‌الدین حکمت مأمور تنظیم نظامنامه انجمن شدند. این کمیته متن نظامنامه را تهیه و به هیئت مؤسس انجمن ارائه کرد، که پس از بررسی و اصلاح، در ۲۱ ماده و ۲ تبصره به تصویب رسید (همان: صورت جلسه مورخ ۱۶ تیر ۱۳۰۴). در بخش اول نظامنامه ترکیب اعضای انجمن، شرایط عضویت و میزان پرداخت حق عضویت آنان مشخص شده بود.

بخش دوم به نحوه برگزاری جلسات هیئت مؤسسه انجمن و چگونگی تصویب مصوبات آن اختصاص داشت. در بخش سوم وظایف و اختیارات هیئت مدیره آمده بود. در بخش چهارم نظامنامه وظایف مجمع عمومی توضیح داده شده بود. این مجمع می‌بایستی سالی یک مرتبه، در اردیبهشت هر سال، با حضور اعضای هیئت مؤسس، عمومی و افتخاری انجمن برگزار می‌شد؛ مهمترین وظیفه آن «احصاء راپرت سالیانه هیئت مدیره راجع به اقدامات آن و کارهایی که شده است» بود.

بخش آخر نظامنامه به محاسبات انجمن اختصاص داشت. طبق ماده نوزدهم، «هیچ خرجی از عایدات انجمن جایز» نبود «مگر اینکه اعتباری باشد که قبلاً به تصویب هیئت مؤسس رسیده» باشد. عضویت در انجمن هم به دو شرط منفصل می‌شد؛ یکی در صورت تخلف از شرایط عضویت مقرر در ماده سه نظامنامه که مقرر می‌داشت اعضا بایستی اساسنامه و نظامنامه انجمن را قبول کنند و دیگر آنکه تابعیت ایرانی داشته باشند. دومین شرط انفصال هم «اقدام بر ضد انجمن و دخالت به امور سیاسی به نام انجمن» بود (همانجا).

در این میان همچون تدوین اساسنامه، طراحی نشان انجمن و تعیین شعار آن نیز از طرف اعضای انجمن، به هرسفولد سپرده شد و مقرر گردید این کار با مشورت



تعدادی از اعضای انجمن آثار ملی، فرمانیه، ۱۳ شهریور ۱۳۰۵: از راست: ارنست هرتسفلد، ابراهیم حکیمی، حسن اسفندیاری، نصرت‌الدوله فیروز، حسین علاء و مشارالدوله حکمت (بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

ج. دوره سوم: از سال ۱۳۶۶ با تدوین اساسنامه جدید و با عنوان «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» دوره جدید شروع شد که تاکنون نیز ادامه دارد.

دوره اول: ترویج باستان‌گرایی و معرفی مظاهر فرهنگی و ملی (۱۳۱۴-۱۳۰۴)

انجمن در دوره اول فعالیت خود که محمدعلی فروغی ریاست آن را برعهده داشت، گام‌های مهم و درخور توجهی برای شناسایی، معرفی و حفاظت از آثار و بناهای تاریخی، فرهنگ‌سازی در این زمینه و نیز احداث یادمان حکیم ابوالقاسم فردوسی برداشت.

تهیه فهرستی از حدود ۹۰ اثر باستانی و بنای تاریخی سراسر ایران برای نخستین بار، با هدف حفظ و نگهداری آن‌ها، با پیشنهاد نصرت‌الدوله فیروز و همکاری ارنست هرتسفلد، آرتور اپهام پوپ و آندره گدار،

و نظارت تقی‌زاده و کیخسرو شاهرخ صورت گیرد. طرح تهیه‌شده به‌وسیله هرتسفلد، در جلسات هیئت مؤسسه انجمن بررسی و به تصویب رسید (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت‌جلسات مورخ یکم و یازدهم شهریور ۱۳۰۴). در این طرح نمادهایی از بناهای باشکوه دوره‌های هخامنشی (کاخ داریوش در تخت‌جمشید) و ساسانی (ایوان کسری در تیسفون) و نیز دوره اسلامی (آرامگاه قابوس بن وشمگیر در گنبد کاووس) به کار رفته بود.

اما فعالیت‌های انجمن در طول حیات یکصد ساله آن، به سه دوره مجزا تقسیم می‌شود:

الف. دوره اول: از سال ۱۳۰۴ شروع می‌شود و در سال ۱۳۱۴، مدتی پس از برگزاری جشن هزاره فردوسی، به پایان می‌رسد.

ب. دوره دوم: آغاز آن از ۲۲ آذر ۱۳۲۳ است و تا سال ۱۳۶۱ تداوم دارد.



مراسم کلنگ‌زنی ساخت آرامگاه فردوسی با حضور محمدولی اسدی (تولیت آستان قدس) و کریم طاهرزاده بهزاد (شافعی و دیگران، ۱۳۴۸: ۵۷-۵۶)

مجممه او و برگزاری هزاره فردوسی به عنوان نماد هویت ملی و وحدت فرهنگی در میان ایرانیان و حافظ زبان فارسی در مقابل انیران (نتایج داخلی و خارجی)، در اولویت نخستین فعالیت‌های خود قرارداد (همان: صورت جلسه مورخ سوم تیر ۱۳۰۴).

فردوسی با تأکیدی که بر زبان فارسی و تاریخ و اساطیر ایرانی داشت، بر هویت ایرانی تأکید کرده بود. بنابراین، فردوسی و شاهنامه‌اش شاخصه و نمادی مهم در هویت‌سازی به‌شمار می‌رفت. از همین‌رو فردوسی فصل مشترک عامه مردم و کارگزاران فرهنگی در ایجاد هویت جدید مبتنی بر ناسیونالیسم باستان‌گرا بود. انجمن نیز با درک چنین جایگاهی، در سال ۱۳۱۳، پس از حدود یک دهه فعالیت، با دعوت از مستشرقین و فردوسی‌شناسان سراسر جهان، ضمن برگزاری هزاره فردوسی، به افتتاح و رونمایی از آرامگاه و مجسمه فردوسی پرداخت.

در هجدهمین جلسه هیئت مؤسس انجمن، در دی‌ماه ۱۳۱۳ نیز، موضوع احداث بنای یادمانی درخور مقام و منزلت سعدی و حافظ، با همکاری معماران خارجی و

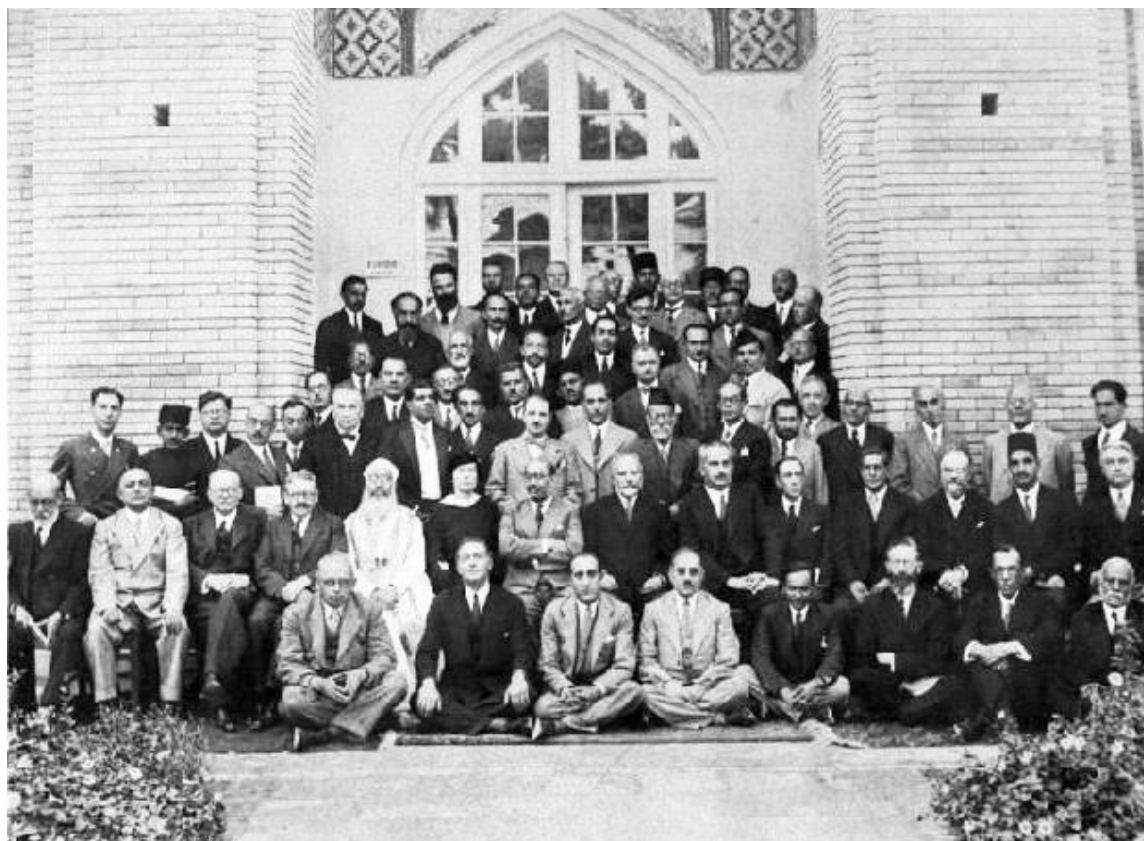
نخستین گام انجمن در این دوره بود (همان: صورت جلسه مورخ ۲۴ خرداد ۱۳۰۴؛ هرتسفلد، ۱۳۰۴: ۴۰-۱). معرفی این آثار به نخبگان و توده مردم با برگزاری کنفرانس‌های متعدد و سخنرانی متخصصان این حوزه (محمدعلی فروغی، علی هانیبال، پوپ و هرتسفلد) با بزرگ‌نمایی گذشته باستانی و تکثیر آن در بین حکام ایالات (فرهنگ‌سازی) گام دوم انجمن در این زمینه بود (همان: صورت جلسه مورخ سوم تیر ۱۳۰۴).

تلاش برای تأسیس اداره عتیقات در ذیل وزارت معارف و خارج نمودن حفاریات باستانی از انحصار فرانسویان (سیاستگذاری و نهادسازی) اقدام مهم دیگری بود که در این دوره انجام شد. البته این اقدام اعتراض فرانسویان را نیز به دنبال داشت (همان: صورت جلسه مورخ ۱۲ تیر ۱۳۰۴).

از آنجا که هویت‌سازی بر مبنای ملیت یکی از مهم‌ترین اهداف انجمن بود و ریشه‌های این هویت در تاریخ و ادبیات ایران جستجو می‌شد، انجمن تجلیل از مقام حکیم ابوالقاسم فردوسی را با ساخت آرامگاه و

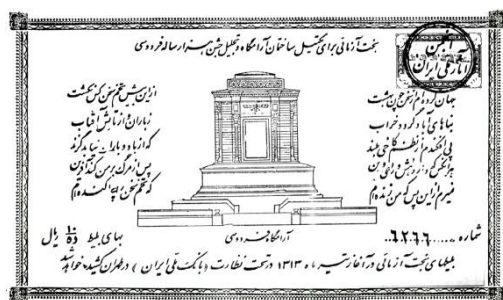
داخلی، توسط محمدعلی فروغی مطرح شد. در این جلسه فروغی ضمن موفقیت‌آمیز خواندن برگزاری هزاره فردوسی، پیشنهاد کرد به مناسبت هفتصد سالگی گلستان سعدی، مقبره‌های مناسب و مطلوبی برای سعدی و حافظ ساخته شود (همانجا). البته بنای فعلی آرامگاه حافظ، در سال ۱۳۱۵، زمانی که دیگر انجمن وجود خارجی نداشت، با طراحی ماکسیم سیرو و همکاری آندره گدار، توسط وزارت معارف ساخته شد و در سال ۱۳۱۶ افتتاح گردید. بنای آرامگاه سعدی نیز در دوره دوم فعالیت انجمن براساس نقشه محسن فروغی و علی صادق ساخته شد و در اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ افتتاح گردید (گشایش آرامگاه سعدی، ۱۳۳۲: ۳۶-۱).

انجمن در این دوره در زمینه چاپ و نشر کتاب نیز فعالیت مختصری داشت. چاپ نسخ متعددی از شاهنامه به مناسبت هزاره فردوسی و هشت عنوان کتاب در موضوعات گوناگون، همچون فهرست آثار و ابنیه تاریخی ایران، الواح تاریخی تخت‌جمشید و همدان و متن کنفرانس‌های هرتسفلد و محمدعلی فروغی درخصوص فردوسی و شاهنامه در شمار این اقدامات بود (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا: اسناد شماره ۲۴۰۰۰۵۷۹۸، ۲۹۷۰۲۲۱۵۴، ۲۹۷۰۱۴۵۹۷). اما به رغم فعالیت‌های تأثیرگذار و مهم انجمن در این دوره، از اواخر سال ۱۳۱۴ فعالیت آن به‌طور کامل متوقف شد. برای این وقفه که تا سال ۱۳۲۳ ادامه



شرکت‌کنندگان در کنگره هزاره فردوسی در ورودی تالار دارالفنون؛ ردیف اول (نشسته): حیدرعلی کمالی (ترکیه)، محمدتقی بهار، هانری مارسه (فرانسه)، عباس اقبال، عیسی صدیق، محمد آقاوغلو (آمریکا)، فرنکاین گوئتر (آمریکا)، سیاستین بک (آلمان)، ردیف دوم: درینک واتر (انگلستان)، عبدالوهاب عزام (مصر)، ژرژ کنتنو (فرانسه)، ابراهیم حکیمی، یوگنی برتلس (شوروی)، حسن اسفندیاری، محمدعلی فروغی، همسر گوئتر، دستور نوشیروان (هند)، آرتور کریستن‌سن (دانمارک)، فریدریش زاره (آلمان)، عبدالحسین شیبانی و حسن پیرنیا. ردیف سوم: مجتبی مینوی، ولی‌الله نصر، مهدی دیبا، وحید دستگردی، میرزا یانس، بدیع الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، جمیل صدقی زهاوی، صادق رضازاده شفق، کوپر بلی‌زاده (ترکیه)، ابوالقاسم اعتصام‌زاده، محمد نظام‌الدین، ادوارد دنیسن راس، آشی‌کاگا آتسوجی (ژاپن)، زین‌العابدین رهنما، بولو تنیکف، رضوی (هند) و رشید یاسمی (صدیق، ۱۳۵۴، ج ۲: ۲۱۹-۲۱۸)

زبان و فرهنگ فارسی بودند. این اعضا (اسماعیل مرآت، علی اکبر سیاسی و ابراهیم پورداوود)، در سمت‌های فرهنگی جایگزین بنیانگذاران انجمن شدند؛ ۹. تأسیس اداره عتیقات در وزارت فرهنگ و واگذاری وظایف انجمن به آن (اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۶۵-۶۶).



نمونه بلیط بخت آزمایی برای تکمیل آرامگاه و جشن هزاره فردوسی (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

دوره دوم: تمرکز بر امور هنری و تمدنی در کنار تداوم سیاست‌های هویتی (۱۳۲۳-۱۳۶۱)

فعالیت رسمی دور دوم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، از ۲۲ آذر ۱۳۳۳، با هیئت مؤسسه‌ای متشکل از حسن اسفندیاری (حاج محشتم السلطنه)، عیسی صدیق (وزیر وقت فرهنگ)، حسین علاء، باقر کاظمی (مهدب‌الدوله)، حسین سمیعی (ادیب السلطنه)، سیدحسن تقی‌زاده، علیرضا قراقرلو (بهاءالملک)، اللهیار صالح، قاسم غنی، امان‌الله جهانبانی و محمد قزوینی شروع شد. آندره گدار نیز همچون دور اول، عضو افتخاری انجمن بود. دور دوم فعالیت انجمن درحالی شروع شد که تعدادی از اعضای اصلی آن درگذشته بودند؛ محمدعلی فروغی، حسن مستوفی، ارباب کیخسرو شاهرخ، حسن پیرنیا، عبدالحسین تیمورتاش، نصرت‌الدوله فیروز، نظام‌الدین حکمت و محمدعلی فرزین، نه نفری بودند که در دور جدید فعالیت انجمن آثار ملی در قید حیات نبودند (مجموعه انتشارات قدیم انجمن، ۱۳۵۱: ۲۳۶-۲۳۵). بخش مهمی از مؤسسين سابق از قربانیان سلطنت

یافت، دلایل گوناگونی وجود داشت، ازجمله: ۱. افزایش فضای سوءظن و بدگمانی رضاشاه نسبت به رجال قدرتمند پیرامون خود، که ازجمله بانیان انجمن بودند (رضاشاه احساس کرد اعضای انجمن درصدد احیای آرزوها و عقاید سیاسی خود در غالب فعالیت‌های انجمن هستند)؛

۲. از میان رفتن شخص قدرتمندی مثل تیمورتاش که همواره حامی سرسخت انجمن بود و افراد دیگری از اعضای انجمن همچون نصرت‌الدوله فیروز؛ ۳. مغضوب و خانه‌نشین شدن محمدعلی فروغی، رئیس انجمن در پی واقعه مسجد گوهرشاد؛

۴. از چشم رضاشاه افتادن تقی‌زاده و خروجش از ایران به عنوان یکی از بانیان اصلی انجمن؛ ۵. تضعیف انجمن بر اثر رقابت برخی از اعضای انجمن با یکدیگر، ازجمله فروغی و تقی‌زاده که طرفدار سیاست‌های انگلیس در ایران بودند با عبدالحسین تیمورتاش که مخالف نفوذ انگلیس‌ها و طرفدار روس‌ها بود؛

۶. اخلال در اجرای طرح‌های فرهنگی به دلیل شرایط اقتصادی کشور و ناکام ماندن رضاشاه در جذب نقدینگی بیشتر برای ساخت راه‌آهن در جریان تجدیدنظر ناموفق در قرارداد داری؛

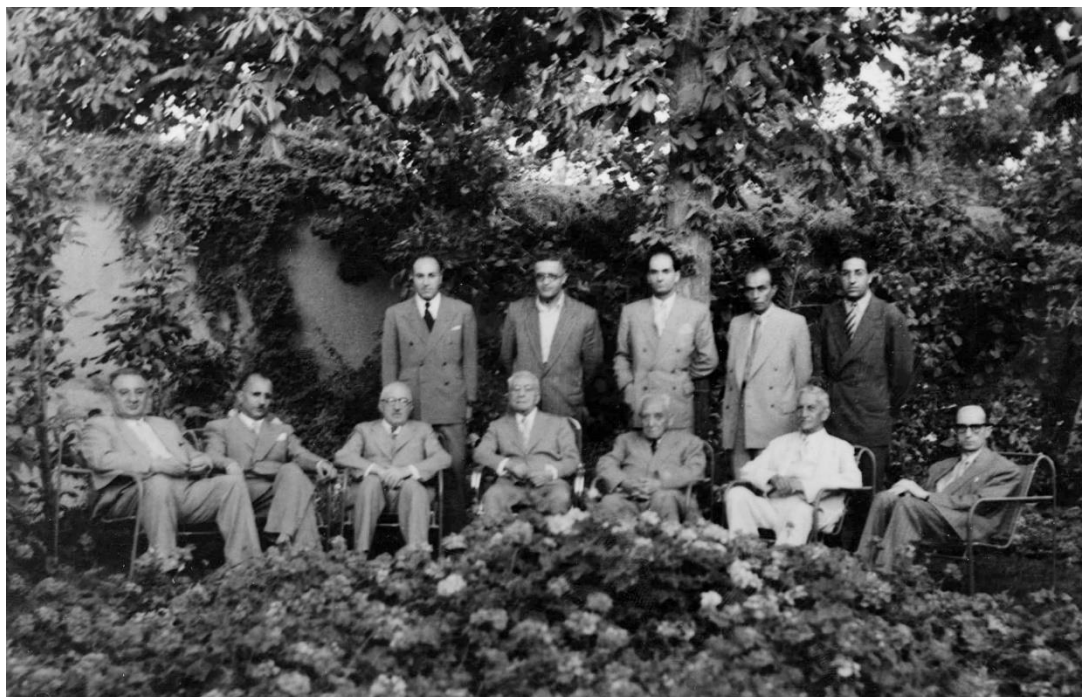
۷. بیشتر شدن تمرکز و سلطه دولت بر امور فرهنگی و اجتماعی در پی سفر رضاشاه به ترکیه در سال ۱۳۱۳ (تحت تأثیر افکار آتاتورک) و غیرفعال شدن یا به محاق رفتن فعالیت بسیاری از انجمن‌ها و مؤسسات فرهنگی و اجتماعی غیردولتی (انجمن تربیت بدنی جایگزین سازمان پیش‌آهنگی، کانون بانوان جایگزین انجمن نسوان وطن‌خواه و شاید بتوان گفت سازمان پرورش افکار بدیل انجمن آثار ملی شد)؛

۸. تأثیر اعضای جمعیت ایران جوان در سیاست‌های فرهنگی که قائل به تمرکز فرهنگی و عربی‌زدایی از

رضاشاه بودند. همچنین براساس ماده ۱۲ اساسنامه اولیه، تغییراتی در مفاد اساسنامه و آیین‌نامه آن داده شد. ابتدا براساس ماده چهار اساسنامه جدید، هیئت مدیره‌ای از میان هیئت مؤسسين و با رأی آنها برای انجمن در نظر گرفته شد.

در مجموعه‌های خارج از کشور، تهیه مجسمه از بزرگان و مفاخر ملی و نشر تألیفات و مصنفات این بزرگان یا آثاری که درباره آنان نوشته می‌شد، از دیگر وظایف جدید انجمن بود (همان: ۲۳۸-۲۳۹).

در کنار گسترش دامنه فعالیت انجمن آثار و مفاخر



جمعی از اعضا و همکاران انجمن آثار ملی، باغ حکیم‌الملک در نیاوران، دوم شهریور ۱۳۳۱؛ نشسته از چپ: علی‌اصغر حکمت، اللهیار صالح، عیسی صدیق، مستشارالدوله صادق، ادیب‌السلطنه سمیعی، ابراهیم حکیمی، غلامحسین صدیقی. ایستاده از چپ: تقی علی‌آبادی، محمدتقی مصطفوی، جواد کامبیز، حسین جودت و هوشنگ سیحون (بایگانی عکس مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر: پرونده شماره ۱-۰-۳۴۱۴-۲).

فرهنگی، رویکرد آن نیز نسبت به گذشته تغییر کرد و از باستان‌گرایی صرف و پرداختن به شخصیت‌ها و موضوعاتی که فقط جنبه باستانی و ملی‌گرایی داشتند، فاصله گرفت. انجمن در این دوره هم به سیاست هویتی، هم به سیاست تمدنی و هم به امور فرهنگ‌ساز و تمدن‌ساز، مانند چاپ کتاب و ارتباط با ایران فرهنگی توجه داشت. در این دوره توجه به علما، دانشمندان، شخصیت‌های مذهبی، عرفانی و محلی نیز در دستور کار انجمن قرار گرفت. این تغییر رویکرد دلایل گوناگونی داشت، از جمله:

با تغییراتی که در اساسنامه جدید انجمن آثار و مفاخر فرهنگی داده شد، ضمن تأکید بر وظایف و اهداف اولیه، بر دامنه فعالیت‌های آن افزوده شد. علاوه بر کمک در تکمیل کتابخانه ملی و موزه‌های تهران و شهرستان‌ها، تأسیس کتابخانه‌ها و موزه‌های جدید در شهرستان‌ها جزو وظایف انجمن شمرده شد. تأسیس نمایشگاه برای عرضه آثار هنری، ایجاد ارتباط با موزه‌ها و گالری‌های خارج از کشور به قصد تحصیل اطلاعات آثار ایرانی و تشویق متولیان آن‌ها به تحقیق روی این آثار، تهیه نسخه خطی یا عکس برداری از کتاب‌ها، نقاشی‌ها و خطوط قدیمی ایران

ابن سینا در کارنامه انجمن حائز اهمیت بسیار بود. به‌ویژه اینکه ابن سینا شخصیتی جهانی بود و دولت‌ها و ملت‌های دیگری هم داعیه هموطنی با او را داشتند. این هزاره، با دعوت از مستشرقین، همراه با افتتاح یادمان جدید ابن سینا که با طراحی و نظارت هوشنگ سیحون ساخته شده بود، در اردیبهشت ۱۳۳۳، در تهران و همدان، برگزار شد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی نخست‌وزیری: پرونده شماره ۱۶۴۵۵؛ معصومی، ۱۳۵۵: ۹۲)؛

۳. سفارش ساخت بیش از بیست مجسمه و تندیس از بزرگان فرهنگی و رجال سیاسی به هنرمندان پیکره‌ساز، با محوریت استاد ابوالحسن صدیقی و نصب آن‌ها در میادین و بوستان‌های شهرهای بزرگ، از جمله مجسمه فردوسی در میدان فردوسی تهران، مجسمه گروهی نادرشاه در باغ نادری مشهد، مجسمه‌های سعدی و ابن سینا در شهرهای شیراز و همدان و مجسمه امیرکبیر در

۱. تغییرات کلی ناشی از شرایط جدید سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر کشور، پس از شهریور ۱۳۲۰؛
۲. دیدگاه‌های برخی از رؤسا و اعضای جدید هیئت مدیره انجمن؛ فرج‌الله آق‌اولی با روحیه عارف‌مسلمی و منوچهر سالور با دیدگاه مذهبی؛
۳. تغییر در مفاد اساسنامه انجمن و گسترش دامنه فعالیت آن که گاه باعث تداخل وظایف انجمن با وظایف وزارت فرهنگ و هنر و تنش میان مسئولان آن‌ها می‌شد (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت جلسه ۲۷۱ هیئت مؤسسين).

اقدامات گسترده و ماندگار انجمن در دوره دوم فعالیت آن را که نقش مهمی در بازآفرینی هویت فرهنگی و ترویج برخی هنرها داشت می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

ساخت حدود ۴۰ بنای یادبود برای مشاهیر فرهنگی، هنری و شخصیت‌های سیاسی (از جمله سعدی، ابن سینا، خیام، عطار، کمال‌الملک، صائب تبریزی، باباطاهر، روزبهان بقلی، ابوالحسن خرقانی، ابوالحسن بیهقی، حاج ملاهادی سبزواری، بقعه امامزاده محروق، احمد نیریزی، کمال‌الدین بهزاد، کمال‌الدین خجندی، شاه شجاع، نادرشاه افشار و مقبره‌الشعراى تبریز) و مرمت و تعمیر صدها بنای تاریخی در نقاط مختلف کشور، از جمله اصفهان، کرمان، قزوین، شیراز، آذربایجان و خراسان (بحر العلومی، ۱۳۵۵: ۷۸۶-۲۵)؛

برگزاری هزاره ابن سینا و ساخت بنای یادمان و مجسمه او در همدان (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، سند شماره ۴۴۰۰۸)؛ تدارک بزرگداشت ابن سینا، فیلسوف، دانشمند و حکیم ایرانی، از همان دوره اشغال ایران در زمان جنگ جهانی دوم نشان از تلاش انجمن برای برانگیختن احساسات ملی ایرانیان داشت. در این تلاش تأکیدی بر نقش و حضور تمدن‌ساز ایران در صحنه جهانی بود. برگزاری هزاره



کارگاه ساخت مجسمه فردوسی در ایتالیا (بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

چاپ و نشر ۱۳۴ عنوان کتاب در موضوعات
گوناگون (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از



طراحی تصویر ابن سینا توسط ابوالحسن صدیقی
(بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش، ۱۳۷۷: ۲۲-۱۰) و نیز
تعریف «جایزه آثار ملی» در حوزه نشر جهت تقدیر از
نویسندگان برتر حوزه‌های ادبی، تاریخی، هنری و
باستانشناسی و ایجاد ارتباط با نخبگان جامعه با سفارش
تألیف کتاب و اهداء آن به دانشمندان، علما و مدرسین
حوزه‌های علمیه. شایان ذکر است جایزه آثار ملی طی
مراسمی در مهرماه ۱۳۵۷ در تالار آیین انجمن، به
سیدمحمد محیط طباطبایی، «از محققان طراز اول
کشور» و مهندس کریم پیرنیا «صاحب نظرات و
پژوهش‌ها و تألیفات ارزنده درباره معماری اصیل
ایرانی» اهدا شد (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر
فرهنگی: صورت‌جلسات ۳۶۶، ۳۶۸، ۳۷۰، ۳۷۱ و
۳۷۴ هیئت مؤسسين)؛

نشر مجله‌ای با عنوان «نشریه انجمن آثار ملی» به
سرديري و صاحب امتيازى مرتضى مدرسى و چاپ
پنج شماره آن در سال ۱۳۵۵ با مقالاتی درخصوص آثار

بوستان ملت تهران (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۶-۵۳)؛
۴. سفارش طرح‌های سیاه‌قلم و نقاشی از مفاخر
فرهنگی و هنری و شخصیت‌های تاریخی به
هنرمندان (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
از ۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش، ۱۳۷۷: ۲۴)؛
۵. تجدید بنای آرامگاه فردوسی توسط هوشنگ
سیحون و افتتاح بنای جدید در اردیبهشت ۱۳۴۷،
به‌دلیل سست بودن زیرساخت بنا و فرو نشستن آن، با
حفظ نمای بیرونی و خالی کردن درون بنا برای ایجاد
موزه (اسماعیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۹-۱۰۸)؛



ابوالحسن صدیقی در کنار مجسمه امیرکبیر در کارگاه ساخت مجسمه
در ایتالیا (بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی)

۶. فعالیت‌های برون‌مرزی انجمن و توجه به
دیپلماسی عمومی و ایران فرهنگی، همچون
مرمت طاق کسری و بقعه سلمان فارسی در
عراق، تعمیر آرامگاه‌های فارابی و سهروردی در
سوریه و تعمیر مسجد ایرانیان در استانبول
(اسماعیلی، ۱۳۹۹: ۱۵۹-۱۴۷)؛

باستانی و بناهای تاریخی (همان: صورت جلسه ۳۵۵ هیئت مؤسسين؛ نشریه انجمن آثار ملی، ۱۳۵۵: ۸۸)؛
تأسیس کتابخانه انجمن: کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در مهرماه ۱۳۴۷، در محل کنونی انجمن ایجاد شد. شمار کتابها و نسخ خطی این کتابخانه تا پایان سال ۱۳۵۷، به ۹۸۴۹ جلد رسیده بود. بخش قابل ملاحظه‌ای از این کتابها، متعلق به کتابخانه عبدالحسین خان بیات بود، که در سال ۱۳۴۸، براساس وصیت‌نامه‌اش، به کتابخانه انجمن اهدا شد.

عکس‌های نایاب و منحصر به فردی که علی‌خادم، از آثار تاریخی نقاط مختلف ایران به انجمن اهدا کرد، یکی از مجموعه‌های ارزشمند کتابخانه انجمن است که برخی از آنها دیگر وجود خارجی ندارند. یکی دیگر از بخش‌های مهم ۳۰۷ جلد کتاب چاپی کمیاب و مهم درخصوص خیام و رباعیات وی است. این مجموعه که عمدتاً ترجمه ادوارد فیتز جرالده به زبان انگلیسی است را انجمن در سال ۱۳۴۶ از احمد افشار شیرازی خریداری کرد.

شایان ذکر است انجمن، علاوه بر کتابخانه مرکزی، کتابخانه‌های متعددی را در آرامگاه‌هایی که ساخته بود، تأسیس کرد. حتی کتابخانه ملی نیز که در سال ۱۳۱۶ تأسیس شد، ایده بنای آن به وسیله انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ریخته شد (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت جلسات ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۹، ۲۹۳؛ مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان، پرونده‌های شماره ۷۲۴۱۴، ۶۰۲۵۳)؛

توجه به هر آنچه به گذشته تعلق داشت، از جمله خرید و تعمیر خانه‌های قدیمی و تاریخی، خرید آثار هنری، تأسیس موزه در شهرهای تاریخی، حفظ و اشاعه زبان فارسی، نامگذاری خیابان‌ها و حتی حفظ درختان کهن سال و آسیاب‌های بادی (بایگانی راکد

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: صورت جلسات ۲۶۳، ۳۰۹، ۳۱۱، ۳۵۵، ۳۶۰، ۳۷۱)؛

درآمدزایی برای انجمن با اخذ یک ریال عوارض از هر کیسه سیمان از سال ۱۳۴۰، اخذ عوارض از مسافرین راه آهن تهران - مشهد و بالعکس و چاپ و نشر تمبرهای یادگاری (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده‌های شماره ۵۹۳۳۱، ۷۱۱۹۶؛ کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی: سند شماره ۵۹۴/۱۰۹۴۱۶۴)؛

خریداری و مرمت ساختمان تاریخی انجمن؛ انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در بدو تأسیس فاقد مکانی معین بود و جلسات آن هر بار در منزل شخصی یکی از اعضا یا در سازمان‌های مختلف تشکیل می‌شد. پس از شروع دوره دوم فعالیت انجمن، با موافقت وزارت فرهنگ و هنر، تالار فردوسی مقر انجمن و دبیرخانه آن شد. با گسترش فعالیت انجمن، نیاز به مکان وسیع‌تری احساس شد و در سال ۱۳۳۸ دو اتاق از اداره بیوتات سلطنتی در کاخ گلستان در اختیار انجمن قرار گرفت. اما در ادامه متولیان انجمن به این نتیجه رسیدند که خرید مکانی مناسب برای انجمن ضروری است. بنابراین سال ۱۳۴۶ حسینیه امیر بهادر (مکان فعلی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی) که از بناهای باشکوه دوره قاجار است، خریداری و مرمت شد. این عمارت که متعلق به وراث حسین پاشا خان امیربهادر، وزیر دربار مظفرالدین شاه بود، در سال ۱۳۱۸ ق توسط میرزا آقا گنج‌کار، با مساحت حدود سه هزار متر مربع ساخته شده است (بحر العلوم، ۱۳۵۵: ۷۹۸-۷۹۱). این بنا با سبک معماری اصیل و سستی خود، دارای تالاری بزرگ و آینه‌کاری شده در زیرزمین و تالاری بزرگ در طبقه فوقانی و نیز حوضخانه کاشیکاری شده با اتاق‌های متعدد است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت‌های انجمن به صورت کج‌دار و مریز تا سال ۱۳۶۱ ادامه یافت، اما نابسامانی‌های سازمانی، تداخلات وظایف با سایر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها و مشکلات شدید بودجه و اعتبارات که حتی پرداخت حقوق و مزایای ماهانه کارکنان انجمن را دچار مشکل کرده و باعث توقف بسیاری از طرح‌های در دست اقدام شده بود، فعالیت انجمن را به تعطیلی کشاند (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی؛ صورت‌جلسات ۳۷۶ تا ۳۸۱ هیئت مؤسسين). آخرین فعالیتی که توسط انجمن در سال ۱۳۶۱ صورت گرفته است، چاپ کتاب «تاریخ ایرانیان و عرب‌ها»، تألیف نولدکه با ترجمه عباس زریاب خویی بوده است (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از ۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش، ۱۳۷۷: ۴۴). پس از این تاریخ عملاً کلیه فعالیت‌های انجمن متوقف شد و اموال آن به تصرف سایر سازمان‌ها درآمد (همانجا).

دوره سوم: تغییر رویکرد انجمن و محدود

شدن فعالیت‌های آن

در این دوره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با اتخاذ رویکرد جدید، پرداختن به فرهنگ و تمدن اسلامی و ایران دوره اسلامی را در اولویت برنامه‌هایش قرارداد. همچنین برخلاف گستردگی فعالیت انجمن در دوره دوم، فعالیت خود را عمدتاً به برگزاری مراسم بزرگداشت مفاخر فرهنگی و چاپ و نشر کتاب محدود کرد.

در سال ۱۳۶۵ براساس بررسی‌های شورای فرهنگ عمومی مقرر شد انجمن آثار ملی فعالیتش را مجدداً در قالب جدیدی شروع کند. سپس با پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اساسنامه جدید انجمن با عنوان «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» در جلسات ۱۲۴ و ۱۲۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در

تاریخ‌های ۱۳۶۶/۷/۲۱ و ۱۳۶۶/۷/۳۱، به تصویب رسید؛ اما فعالیت دوره سوم انجمن عملاً از سال ۱۳۷۳، بعد از تصویب متمم اساسنامه انجمن در جلسه ۳۳۸، مورخ ۱۳۷۳/۷/۲۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی شکل گرفت. البته از نیمه دوم سال ۱۳۷۰ با تکمیل اعضای هیئت امنای انجمن در شورای مذکور و انتخاب مدیر اجرایی آن از طرف وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و اختصاص بودجه، فعالیت‌هایی برای راه‌اندازی و بازسازی ساختمان تاریخی انجمن آغاز شد (همان: ۴۵-۴۴).

در اساسنامه‌ای که برای سومین دوره فعالیت انجمن تدوین شد، از معرفی و بزرگداشت عالمان و متفکران عرصه فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و احیا و انتشار آثار آنان و همچنین معرفی آثار فرهنگ و تمدن اسلام و ایران و نقش و سهم ایرانیان در اعتلا و ارتقای آن، به‌عنوان اهداف جدید انجمن نام برده شده است.

در اساسنامه جدید رؤس وظایفی که برای انجمن در نظر گرفته شده عبارت‌اند از:

الف. تهیه و انتشار زندگی‌نامه عالمان و متفکرانی که در اعتلای فرهنگ و تمدن اسلام و ایران منشاء اثر بوده‌اند و احیای آثار آنان؛

ب. برگزاری مجامع تحقیقی و برپائی مراسم بزرگداشت و کمک به ساختن بناهای یادبود و امثال آن و مشارکت مؤثر در سمینارها، مجامع و نمایشگاه‌های فرهنگی مهم ایران و جهان؛

ج. تجلیل، تشویق و حمایت از پدیدآورندگان آثار فرهنگی و علمی ارزنده و همکاری در امر انتخاب کتاب‌های برگزیده سال؛

د. مبادله اطلاعات و همکاری با مؤسسات فرهنگی و کتابخانه‌های داخل و خارج کشور در زمینه تهیه و تکمیل فهرست مجموعه‌های نفیس فرهنگی و هنری و کتاب‌ها و نسخ خطی و

چاپ و منتشر کرده است (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از ۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش، همان: ۱۲۱-۱۱۸؛ بیرون‌وند، ۱۳۸۵: ۱۷۶-۱۳۵؛ کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سال ۱۳۹۶، ۱۳۹۷: ۱۹۸-۱۸۴).

۳. انتشار فصلنامه‌های جدید؛ انجمن در این دوره چند نشریه تخصصی را منتشر می‌کند که در این حوزه فعال‌تر از دوره‌های قبلی عمل کرده است. نخستین نشریه، فصلنامه *نامه انجمن* است. این نشریه از بهار ۱۳۸۰ فعالیت خود را آغاز کرده و تاکنون به‌طور مستمر چهار شماره از آن در سال منتشر شده است. مقالات این نشریه در موضوعاتی همچون ایران‌شناسی، تاریخ، فلسفه، عرفان، ادبیات و جغرافیای تاریخی است (بیرون‌وند، همان: ۱۹۱).

فصلنامه تخصصی حکمت *نامه مفاخر* دومین نشریه‌ای است که در این دوره منتشر می‌شود. اولین شماره این فصلنامه در تابستان ۱۳۹۵ در حوزه حکمت الهی و عرفان اسلامی منتشر شد. در شماره‌های بعدی نیز به معرفی یکی از مفاخر ادبی، فرهنگی، علمی و تاریخی ایران پرداخته است (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سال ۱۳۹۶، همان: ۱۹۹).

گزارش‌نامه انجمن دیگر نشریه‌ای بود که از سال ۱۳۷۵ تا چندین سال بعد منتشر می‌شد. این ماهنامه حاوی اخبار و گزارش بزرگ‌داشت‌ها، سخنرانی‌ها و سایر برنامه‌های انجمن بود (کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از ۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش، همان، ۱۱۶). در حال حاضر نیز گزارش فعالیت‌های جاری انجمن، با عنوان «گزارش انجمن»، از طریق وبگاه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

انجام طرح‌های پژوهشی: انجمن به‌منظور تحقیق و پژوهش درخصوص شخصیت‌ها و مفاخر ملی، طرح‌هایی پژوهشی، مانند اثرآفرینان و فرهنگنامه رجال

تلاش در نشر این کتاب‌ها و نسخ و تشویق و ترغیب به تحقیق در آثار ارزنده فرهنگ اسلام و ایران؛

ه. معرفی تاریخ فرهنگ اسلام در ایران به‌ویژه سهم ایرانیان در خدمت به اسلام و تمدن اسلامی و میراث اسلام در ایران (همان: ۴۵).

در مجموع عملکرد دوره سوم انجمن، به لحاظ گستردگی و تنوع قابل مقایسه با گذشته نیست؛ ضمن اینکه انجمن در دوره‌های گذشته از استقلال بیشتری برخوردار بود. از منظر مالی نیز، در دوره دوم، انجمن علاوه بر درآمدهای اختصاصی، از درآمد پایداری مثل اخذ یک ریال عوارض از هر کیسه سیمان کارخانه‌های سیمان‌سازی کشور برخوردار بود که این امر کمک شایانی به متولیان در انجام طرح‌های خود می‌کرد. با این وجود انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در دوره سوم نیز تاکنون خدمات ارزشمندی داشته است که اهم آن‌ها عبارتند از:

۱. برگزاری آیین نکوداشت و بزرگداشت صدها نفر از علما، اندیشمندان و شخصیت‌های مهم فرهنگی و هنری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و چاپ و نشر زندگی‌نامه و آثار آنان و نیز ارائه سخنرانی‌های متعدد توسط شخصیت‌های علمی و فرهنگی (همان: ۸۵-۱۰۴؛ بیرون‌وند، ۱۳۸۵: ۱۳۴-۵۴)؛

۲. یکی از بخش‌های فعال انجمن در دوره سوم، انتشارات آن است. این انتشارات که یکی از با قدمت‌ترین ناشران کشور به‌شمار می‌رود، در این دوره تاکنون بیش از ۵۰۰ عنوان کتاب در معرفی آثار و زندگی‌نامه مشاهیر فرهنگی و موضوعاتی دیگری همچون تاریخ، جغرافیا، ادبیات، باستان‌شناسی، فرهنگنامه، هنر، آداب و رسوم و جغرافیای تاریخی مناطق و نواحی مختلف ایران، سفرنامه، فلسفه و حکمت، تصوف و عرفان، کتابشناسی و نسخ خطی

تاریخی ایران را در چندین جلد به انجام رسانده است (همان، ۱۴۰-۱۲۳؛ بیرون‌وند، ۱۳۸۵: ۱۷۹).

نتیجه‌گیری

انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از بدو تأسیس علاوه بر نوسازی فرهنگی، در احیای هویت ملی کوشش فراوان کرد. در واقع هدف اصلی انجمن تلاش برای بقا و ارتقای فرهنگ و هویت ملی بود. اهمیت فعالیت‌های انجمن، به ویژه در دوره‌های اول و دوم آن در این بود که در هویت‌سازی و نوسازی فرهنگی تنها به وجه نظری و تبیین آن در آثار مکتوب بسنده نکرد، بلکه با ایجاد بناهای یادمانی برای مفاخر فرهنگی و هنری، به نمادسازی روی آورد و این نمادسازی بیشتر در آثار معماری و مجسمه‌سازی تبلور یافت. در واقع آنچه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در طول چند دهه انجام داد، هویت‌سازی آهسته اما پیوسته‌ای بود که امروزه رگه‌هایی از آن را می‌توان در جامعه ایران مشاهده کرد. بدون تردید این فعالیت‌ها در وضعیت فرهنگی امروز و هویت ملی ایرانیان نقش بسزایی داشته و آن را تحت تأثیر قرار داده است.

انجمن با شناسایی و ثبت فهرست نزدیک به ۹۰ اثر باستانی و بنای تاریخی در ابتدای فعالیت خود و تبلیغ آن‌ها، ساخت آرامگاه و یادمان حدود ۴۰ نفر از مفاخر فرهنگی و تمدنی و نمادسازی از آنان (با سفارش تصویرگری چهره آنان به هنرمندان و تکثیر این تصاویر و چاپ تمبرهای یادگاری و نیز ساخت مجسمه و نشر آثارشان) و بزرگداشت صدها نفر از مشاهیر و مفاخر فرهنگی، توده مردم را با فرهنگ و هویت جمعی آشناتر کرد و احساسات ملی را در آنان برانگیخت و در نهایت این اقدامات باعث ارتقاء جایگاه میراث فرهنگی در کشور شد.

انجمن توانست با اقدامات خود، به‌ویژه در حوزه چاپ و نشر کتاب (بیش از ۶۰۰ عنوان)، با سفارش تألیف و چاپ کتاب و اهداء رایگان کتاب‌های چاپ شده به بزرگان فرهنگی کشور، اعم از دانشمندان و علمای دینی، بخش عمده‌ای از جامعه نخبگی ایران را با اهداف و برنامه‌های خود همراه سازد.

انجمن موفق شد در کنار تقویت فرهنگ و هویت ملی، با ساخت موزه، کتابخانه، کتابفروشی، بوستان و رستوران در مجاورت آرامگاه‌ها و یادمان‌ها، ضمن ترویج مظاهر جدید تمدنی در میان توده مردم، به جذب گردشگر و توسعه صنعت گردشگری در کشور کمک کند.

انجمن با استفاده از توان معماران ایرانی در یادمان و آرامگاه‌سازی، نسل جدیدی از معماران مدرن و سستی را به جامعه معرفی کرد. همچنین با کمک آنان سبک جدیدی از معماری آرامگاه‌ها و بناهای یادبود را با تلفیق معماری مدرن با معماری سستی و بومی ارائه داد. اشاعه هنر مجسمه‌سازی و عمومی کردن آن و کاهش حساسیت‌ها نسبت به این هنر با سفارش ساخت مجسمه مفاخر فرهنگی و رجال سیاسی و نصب آن‌ها در بوستان‌ها و میادین شهرها (بیش از ۲۰ مجسمه و تندیس) و نیز جهانی کردن مفاخر فرهنگی و تمدنی ایران با برگزاری هزاره‌های فردوسی و ابن‌سینا و انعکاس وسیع این رویدادها در مطبوعات جهان و آشنا شدن بیشتر مستشرقین و ایران‌شناسان سراسر جهان با ایران (دیپلماسی فرهنگی) از نتایج دیگر عملکرد انجمن بوده است.

بنابراین، به‌رغم فراز و نشیب عملکرد انجمن در برخی زمان‌ها، در مجموع می‌توان گفت انجمن تاکنون نقش بسزایی در ارتقاء فرهنگ عمومی و بازآفرینی و احیای هویت ایرانی داشته است.

کتابنامه

- آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، گنجینه اسناد.
- آرشیو کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- آرشیو مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- احتشام السلطنه، محمود (۱۳۶۶)، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوار.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۸۵)، معماری دوره پهلوی به روایت اسناد (۱) آرامگاه فردوسی، گلستان هنر، شماره ۳.
- اسماعیلی، علیرضا (۱۳۹۹)، «تأثیر عملکرد تاریخی انجمن آثار ملی بر احیای فرهنگ و هویت ایرانی»، پایان نامه دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، به راهنمایی علی بیگدلی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صورت جلسات هیئت مدیره انجمن آثار ملی (دوره اول).
- بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صورت جلسات هیئت مؤسسين انجمن آثار ملی (دوره دوم).
- بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، اسناد ساماندهی نشده.
- بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، اسناد دارای شماره بازیابی.
- بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، بایگانی عکس انجمن آثار ملی.
- بحرالعلوم، حسین (۱۳۵۵)، کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۰۱ - ۱۳۵۵ هجری خورشیدی)، تهران: انجمن آثار ملی.
- بهرامی، روح الله و عیسی عبدی (۱۳۸۰)، اسنادی از باستان شناسی در ایران (حفريات، عتیقات و بناهای تاریخی)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بیرون وند، کیانوش (گردآوری و تدوین)، (۱۳۸۵)، کارنامه فرهنگ و هنر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ۱۳۸۵-۱۳۷۸، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شافعی، بیژن، سهراب سروشیانی و ویکتور دانیل (۱۳۸۴)، معماری کریم طاهرزاده بهزاد: مجموعه معماری دوران تحول در ایران، تهران: دید.
- شیرازی، اصغر (۱۳۹۶)، ایرانیت، ملیت، قومیت، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب.
- صدیق، عیسی (۱۳۵۴)، یادگار عمر، ج ۲، تهران: دهخدا.
- کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از ۱۳۰۱ ه.ش الی ۱۳۷۷ ه.ش (۱۳۷۷)، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کارنامه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی سال ۱۳۹۶ (۱۳۹۷)، زیر نظر وحید رضا قربانی - کاوه خورابه، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- گشایش آرامگاه سعدی (۱۳۳۲)، انجمن آثار ملی، نشریه شماره ۲، صص ۳۶-۱.
- ماله، آلبر و ژول ایزاک [بی تا]، تاریخ قرون جدید، ترجمه سید فخرالدین شادمان، قسمت اول، چاپ سوم، تهران: کمیسیون معارف.
- مجموعه انتشارات قدیم انجمن (۱۳۵۱)، تهران: انجمن آثار ملی.
- مذاکرات دوره چهارم تقنینیه، [بی تا]، تهران: مجلس شورای ملی.
- مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی نخست وزیری، دوره محمدرضا شاه.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۵۵)، شمه ای از پیشینه امور باستان شناسی در ایران و اقدامات انجام شده در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، بررسی های تاریخی، ۱۱ (۴)، صص ۱۰۶-۵۳.
- معصومی، غلامرضا، ۱۳۵۵، شمه ای از امور باستان شناسی در ایران و اقدامات انجام شده در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی، بررسی های تاریخی، ۱۱ (۵)، آذر و دی، صص ۱۷۰-۱۰۷.

هرتسفلد، ارنست (۱۳۰۴)، فهرست مختصری از آثار
و ابنیه تاریخی ایران، ترجمه احمد متین‌دفتری،
تهران: انجمن آثار ملی.

Grigor, Talinn, 2004, Recultivating "Good
Taste" : The Early Pahlavi Modernists
and Their Society for National
Heritage, Iranian Studies, Volume 37,
Number 1.